

اعلم چه کس است بدان ترف او سر و خراج نام خود شیدا بنام اسلام را بگوید
سوزان اولوب سلک و فاقه سلوک ایندی اولی جستان جان چاره ملک
صلی الله علیه و سلم اشارت ناموس لکرم اید تیر بر امور ملت لکن بیاید
اون کی ذات لکنی خلعت نقابت اید معزز بود و نقیب لائزاف
تعیین اید بر نقابتک اونی فرجودن المکیلی و سدن ایدی اسامی نقباء
خریج بود سابق اوزره کاشانه اوراق قلیش اسعدین زراره و برادر
بن حور و رافع بن مالک بن عجلان و سعد بن عباد و سعد بن حبیب
و سعد بن الربیع و عباده و العاصم و عبید بن روهه و عبید بن عمر
بن خرام و مندر بن عمرو بن حبیب بن زینب و بن زینب و ابوسلمه
مالک بن انبیا و اسید بن خضیر و چونکه سلطان الانبیا صلی الله علیه و سلم
و شرف بیعت و مشورت نقابت ختم خاتم اوردی ابوالشایخین المصعب
بالای عقیده دن زنده و ناید جلوب بر سوزنده اطلاق ز نام نغز اید که
یا مستر قریش بکلی سنی بو تر سینه دن آگاه اولک که رجال شرب
برادر زاده ابوطالب بیعت قلیدیر و سوزنده عرب و قتله شمشیر مانند که
سند جهان اولدیر بونزه شکر سوزنده رومی آتش انداز حرم جان

کنار

جان کفار اولوب دونه و کبر و سانه قریش ارددوی مدینه واروب
ای و جود کرد او سمن و خراج شکر به دگ سینه کلید از زنده شمشیر
مصافات آب زمر دن مصفا ایکن لانه دن سمعده که محمد بن قول
ربیع بیعت ایدوب بره ثبت مصفا و خلافة شمشیر یک خلاف اولدیر
دیو قیامت تحت خبر ساعیلر کن همراه نقباء اولدیر کان شرب که لردن
چهره قبول بیعت دستور نقاب حجاب قلیش ایدی جمله دن اول هم جواب
تقدم ایدوب بر سوزنده غضب لایت و غمی اولالم که بر بزرگان واقع
الحال ایدوبو بمعنی ایدبالاصال ندن براسن خطا و حال اندیکند
دیوب بو سوزنده خلوص بوند اید قلب کفار و مطین و خاطر لری رسیده
وساده راحت اولدی چون قافلده انصار صوب صواب نمای دیر
عطف عثمان و حاجت قلیدیر بر ترمج بیعت جا جهنت عالمه نو شرف مصفا
اولدی و شیبان کمال اضطرار دن انصار اشیاع حجت راه صلی الله علیه
و سلم علیه و سلم حسب القدره اصرار و اهتمام و تقدیم اسباب اذیت و جفایت
کوشش بالا کلام اید بر حضرت سید الشهدا صلی الله علیه و سلم جابک سوزان
حرمه بیجا اصحاب خسته نقاب بر حضرت نبوت و دیوب اکثری قطرات